

سخنان خانم دکتر حق جو در نشست مشهد باشگاه قرآنی نور

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

این دعایی که می‌خوانم بخشی از دعایی هست که از جناب ابوعمرو، نائب اول امام عصر صلوات الله علیه، برای بعد از ظهر جمعه نقل شده و مؤکد است که این دعا را بخوانید. من بخشی از دعا را می‌خوانم:

«اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي

اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزَعِّقْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوَلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

حَتَّى وَالنَّبِيِّ وُلَاةِ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

اللَّهُمَّ فَتُبِّئْنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَ لَبِّئْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ؛ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ «

من چون فکر می‌کنم که بخش قابل توجهی از بچه‌ها عربی‌اش را می‌دانند، اینجوری می‌خوانم و [فکر می‌کنم] لزومی ندارد که ترجمه‌اش را بگویم.

« لَبِّئْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ؛ وَ عَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ تَبِّئْنِي عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، وَ بِإِذْنِكَ غَابَ عَنْ بَرِّيَّتِكَ، وَ أَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَ أَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمُعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرِ وَلِيِّكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ، وَ كَشْفِ سِتْرِهِ، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَحْزَرَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَ لَا كَشْفِ مَا سَتَرْتَ «

من دیگر از اجزای دعا رد می‌شوم تا می‌رسد به آنجا که

« اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَعَيْنِيهِ إِمَامِنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، (وَ تَظَاهَرَ الْأَعْدَاءَ عَلَيْنَا)، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا . اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تَعْجَلُهُ، وَ نَصْرِ مِنْكَ تَعَزُّهُ، وَ إِمَامِ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ «

عین این عبارات در دعای زیبا و باشکوه افتتاح هم هست - که همه ما با آن خاطره داریم- به غیر از این دعای اللهم عرفنی نفسک و آنجا هم گله می‌کنیم. منتها چون این تکه دعای افتتاحش با بخشی از دعا شروع می‌شود که نقل شده از امام رضا ع که در قنوت نماز ظهر جمعه‌شان این طور امام زمان [عج] را دعا می‌کردند.

« اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَىٰ وَلِيِّ أَمْرِكَ الْفَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، وَخَفِّهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ »

که من این را خیلی دوست دارم. گفتم همه از قول امام رضا جان مان بخوانیم ین دعایی را که به آن تعلق خاطر داشتند و نقل است که مکرر در قنوت نماز ظهر جمعه‌شان می‌خواندند.

کاش خیلی وقت داشتیم بچه‌ها. کاش خیلی وقت داشتیم خیلی با هم دعا می‌خواندیم. خیلی حرف می‌زدیم. خیلی با هم درد دل می‌کردیم. کاش..

رسم ما این بوده که همیشه در نشست‌هایی که به طور ویژه در مشهد داشتیم یک بار دیگر در مورد باشگاه و چرایی باشگاه و اینکه چرا باشگاه قرآنی‌مان را درست کردیم، در باشگاه چه کار می‌کنیم، چرا ادامه اش می‌دهیم حرف می‌زدیم. راستش که من خیلی حرف تازه‌ای برای گفتن ندارم و همه آنچه که داشتم رو قبلا فکر می‌کنم گفتم و نوشتم. حالا ان شاءالله سایت باشگاه بتواند صفحه‌اش و آدرسش دوباره در دسترس قرار بگیرد، آنجا هست. اما من باب اینکه آنچه در مشهد اتفاق می‌افتد برای ما از جنس تجدید عهد و تجدید پیمان و بیعت با امام است، روی بعضی از نکات می‌خواهم که تاکید کنم و از روی چند سوره کوتاه.

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ »

خب، من که مفسر قرآن نیستم، اما از اساتید یاد گرفتم. صرف نظر از اینکه این عصری که خدا بهش قسم خورده به چه چیزی اشاره می‌کند، زمان است؟ عصر غیبت است؟ و همه دلالات و روایاتی که در موردش هست، خدا ما را با یک گزاره وحشتناک مواجه کرده که « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » انسان، مطلق انسان، در حال خسران است. خسران هم که می‌دانید فرقی با ضرر چی است: یک سرمایه‌ای را دارد از دست می‌دهد، نه اینکه سود نمی‌کند، سرمایه‌ای را دارد از دست می‌دهد. من فقط نکته نکته می‌گویم و اصلا نمی‌خواهم وارد تفسیر سوره عصر بشوم که می‌شود ساعت‌ها در موردش حرف زد و از محضر سوره عصر بهره‌مند شد. آن «الَّا»، اینش جالب است که می‌گوید « *الَّا الذین* » نمی‌گوید « *الَّا الذی* » همین *الَّا الذین* در سوره عصر یعنی اینکه برای جلوگیری از خسران باید جمع تشکیل داد. یک «شبهه» ای که ایمان دارند و عمل صالح می‌کنند و توأسی به حق دارند و توأسی به صبر دارند لازم است برای اینکه جلوی خسران گرفته بشود.

این را بگذارید کنار همه دعاهایی که، من بارها گفته‌ام، همه دعاهایی که برای زمان غیبت هست، شما یک سلام هم که می‌خواهید به امام زمان عج بکنید این سلام را تنها نمی‌کنید. مومنین را از مشارق الارض و مغاربها، سهلها و جبلها و بزها و بحرها همه را صدا می‌کنید و از طرف همه اینها سلام می‌دهید. این در تمام دعایی که به وجود نازنین و مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ربطی دارد تقریباً به چشم می‌خورد. امروز سالروز شروع امامت امام زمان علیه السلام است و اینکه ما در این تاریخ فرصت پیدا کردیم مشهد باشیم و نشست مشهد باشگاه را که مهم‌ترین رویداد سالیانه باشگاه هست را برگزار کنیم برای خود من یک اتفاق معنی‌دار است.

امیدوارم که [برای] تک تک شما هم فرصتی باشد که یکی از هدیه‌هایی که از این زیارت این بار امام رضا [ع] دریافت می‌کنید این باشد که ماموریت‌تان را در نسبت‌تان با امام زمان [عج] دریافت کنید. این را هم تا حالا بارها گفته‌ام ولی یکبار دیگر هم اجازه بدهید بگویم، از قول استادم، که می‌گفت چنانکه هر چیزی در دنیا به اندازه‌ای که نمک دارد شور است و به اندازه‌ای که شکر دارد شیرین است، هرکس به اندازه‌ای که امام دارد انسان است. جوهر انسانیت نزد امام است و هر کسی به اندازه‌ی فرصت و توفیق همراهی‌اش با امامش است که فرصت انسان بودن پیدا می‌کند.

حالا ما کی بودیم؟ ما یک مشت آدم حیرت‌زده بودیم. دستمان به اماممان نمی‌رسید. رفته بودیم هی در کتاب را می‌زدیم. کتابی که امام است، امامی که کتاب است. خلاصه که ما قوم بی‌کتابی بودیم که درد مشترکمان این بود که این را حس می‌کردیم و می‌خواستیم که به هر حال راهی پیدا کنیم. گفت پیغمبر که گر کوبی دری، عاقبت زان در برون آید سری. خدا هم *غیاث المستغیثین* است. یعنی وقتی استغاثه‌ها باهم جمع شد، غیاث و فریادرسی می‌رسد. به نظرم اینکه ما باشگاه شدیم و با هم جمع شدیم و استغاثه‌مان و حیرت‌مان و اضطراب‌مان را با هم به اشتراک گذاشتیم باعث شد که خیلی اتفاق‌های خوبی بیفتد که من واقعا خدا را شکر می‌کنم به خاطرش.

خب، می‌خواهم حالا یک سوره دیگر بخوانم.

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ »

خدا به پیغمبرش خیر کثیر عطا کرد. آیات زیادی هست که هر آنچه که هست نزد پیامبر است و آدم‌ها یا یک راهی پیدا می‌کنند که به این منبع نورانی و مبارک متصل بشوند و خیر دریافت کنند یا اینکه بریده‌اند از پیغمبر و ابترند. ابترند یعنی هیچ خیر ماندگاری ازشان در دنیا متصور نیست حتی می‌شود یک ذره سخت‌تر هم گفت دیگر. مثلا در قطره قطره‌های سوره‌های آقای چیت چیان دیدم که گفتند هرکس با پیامبر کات کند دیگر اصلا هیچ دسترسی به خیر ندارد. *شائئک* را کات کردن با پیامبر گفته بودند و خیلی چسبیده بود با اینکه اوصیکم و نفسی به اینکه کمتر از کلمات انگلیسی استفاده کنیم و من هم دارم این را تمرین می‌کنم. و معذرت می‌خواهم که اگر به اندازه کافی فصیح و بلیغ نمی‌توانم حرف بزنم. خب همه خیر پیش پیامبر است، ما رفتیم پیش پیامبر، حالا پیامبر از ما چه انتظاری دارد یا ما رابطه‌مان را با پیامبر چطور می‌توانیم که تعریف کنیم؟

اجازه بدهید که یک سوره دیگر بخوانم. اول « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ * وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ * الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ * وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ * فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ * وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ ».

این سوره را که خواندم با یک صلوات تقدیمش می‌کنم به فرزانه پزشکی عزیزم.

اللهم صل على محمد و آل محمد

شرح صدر انقدری که من می‌فهمم یعنی توسعه نیت‌ها و قصدهای پیامبر. صدر محل بروز و ظهور نیت‌ها و اراده‌هاست. صدر جایی است که در دعای بعد از زیارت آل یاسین هم که خیلی خیلی دعای قشنگی است، و اگر یک روز من مردم آن را زیاد برایم بخوانید، می‌گوید « *اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ*

نُورِكَ « بعد از خدا فرصت توسعه‌ی صدر می‌خواهد. و در روز قیامت هم سوره عادیات که ما دیروز خواندیم [می‌گوید] حصل ما فی الصدور می‌شود. روزی است که در آن تحصیل می‌کنید، دستاوردها^{۱۱۱} از جنس آن چیزی است نیت آن را که کردید. من گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم شاید این حدیث که می‌گوید مومن بسیاری از چیزهایی که نیتش را کرده و قصد انجامش را داشته و در این دنیا فرصت انجام دادنش پیدا نکرده، در جهان آخرت جوری برای او مجسم می‌شود مثل اینکه آن کار را کرده فکر می‌کنم شاید به خاطر این است. بنابراین لطفاً بزرگ فکر کنید؛ بزرگ نیت کنید؛ اراده‌های بزرگ داشته باشید.

آیا ما با کارهایمان می‌توانیم به شرح صدر پیامبر [صلی الله علیه] کمک کنیم؟ آن صدر بزرگ، آن سینه‌ی پر از رحمت و مهربانی و اشتیاق بی‌نهایت به کمک به رشد و توسعه و شکوفایی جان آدم‌ها، آیا هر بلند شدنی و هر تصمیم‌گرفتنی برای انجام دادن کاری شبیه او و انتشار و پراکندن آن شوق، آیا شرح صدر نیست؟

من گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم اینکه سوره ضحی و انشراح را بعضی‌ها معتقدند به هم متصل‌اند و باید با هم خوانده شوند صرف نظر از همه جورهایی که می‌شود به سوره ضحی و انشراح نگاه کرد، فکر می‌کنم بخشی‌اش آنجاست که پیامبر دغدغه خرابکاری‌های ما را دارد و از شدت این نگرانی آرام ندارد و خدا می‌گوید « *وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى* » در روایت هست که [ای پیامبر!] آنقدر از امت تو می‌بخشم که راضی بشوی. یک دغدغه دیگرش هم این است، دغدغه یا هرچه که بشود اسم آن را گذاشت، که برداشتن بار پیامبر و کمک به شرح صدر پیامبر، یعنی بلند شدن و کارهای از جنس پیامبرانه کردن.

حالا یک چیز دیگر بگویم چند آیه دیگر بخوانم و دوباره فرصت داشته باشیم -من فکر می‌کنم بچه‌ها خیلی سوال دارند- که بچه‌ها بتوانند تا اذان چندتا از سوال‌هایشان را بپرسند.

حالا می‌خواهم که داستان باشگاه را بگویم. داستان باشگاه برای من خیلی خیلی شبیه داستان اصحاب کهف است. آرزویم این است که این طور باشد. خدا اصحاب کهف را چطور توصیف کرده در قرآن؟ گفته « *إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَرَدَّنَاهُمْ هَدَى* » آنها جوانانی بودند یا جوانمردانی بودند که ایمان آوردند به خدا و خدا هدایتشان را بیشتر کرد. اینجایش را خیلی دوست دارم بچه‌ها: « *وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا* » این ربط قلبی خداوند با قلب کسی یکی اینجاست و یکی در داستان مادر موسی است، آنجا که می‌خواهد موسی را ببندازد در نیل، آنجا که باید با همه توانش بر احساسات مادرانه‌اش غلبه کند تا جریان بزرگی برای نجات بشریت رقم بخورد. ما زن‌ها در افواه قرآن‌شناس‌ها خیلی به این معروفیم یا به این متهمیم که تحت تاثیر احساساتمان می‌توانیم تصمیمات غلط بگیریم و من همیشه فکر می‌کنم که راه ویژه‌ی خانم‌ها، حالا البته که همه خانم‌ها و آقایان باید تمرین کنند که عقلشان را فعال نگه دارند و تصمیم‌های عقلانی محکم بگیرند. محکم یعنی حکمت از سوال پرسیدن و ارتباط با طبیعت و سفر رفتن و چیزهایی که بعدش سرخ‌هایی هست که این عقل و تعقل را فعال می‌کند، اما فکر می‌کنم یک راه ویژه‌ی دیگر هم هست برای اینکه آدم تحت تاثیر نقطه ضعف‌هایش تصمیم نگیرد و آن این است که شایستگی این را داشته باشد که خدا ربط قلبی با او پیدا کند. در سوره قصص است فکر کنم که می‌فرماید « *إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَطْنَا عَلَى قَلْبِهَا* » و می‌گوید که اگر ما این ربط را با او نکرده بودیم ممکن بود نتواند

ماموریتش را درست انجام بدهد. اینجا هم در مورد اصحاب کهف است. می‌گوید « وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا » من دیگر جلوتر از این نمی‌روم با این که خیلی دوست دارم. می‌دانید که سوره کهف رو هم در یکی از نشست‌های مشهد قرار گذاشته بودیم که حفظ کنیم و با هم خواندیم. این «ربط قلبی» از قاموا است، کلیدش از قاموا است. باید بلند شی. باید بلند شی. همین که برای خودت خوب باشی، گو اینکه فتیه بودن کار آسانی نیست، آمنوا بودن کار آسانی نیست، زمینه و ظرفیت دریافت هدایت خداوند را داشتن کار آسانی نیست، ولی و ربطنا علی قلوبهم وقتی اتفاق افتاده که از قاموا، وقتی بلند شدند. در قرآن هم یک دانه، فقط یک نصیحت هست « قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَأَحَدَةٍ » با چند تا قید حصر، این هست که « أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ »، خوب، پس ما توی باشگاه می‌خواستیم بایستیم. ما می‌توانیم بچه‌ها به نظرم اساسا باید راجع به این مفهوم از قاموا با کمک استاد و بقیه با تلاش [کار کنیم]. من به اینکه سوال دسته جمعی و بر در قرآن کوبیدن‌های دسته جمعی باعث نزول رزق [فهم] خاص از قرآن می‌شود اعتقاد قلبی و راسخ دارم. باشگاه ده سالش است دیگر چه نشانه‌ای باید به ما نشان بدهند که بدانیم این راه راه درستی است. این از قاموا را امیدوارم که تک تک شما در این سفر برای خودتان از قاموی خودتان را پیدا کنید، با جزئیات پیدا کنید. و دومین چیزی که ما در نشست‌های باشگاه در مورد آن حرف می‌زنیم "شبکه‌سازی" است. خب شبکه‌سازی همین که دیروز هم خانم محمدی عزیز اشاره کردند از امام هادی ع شروع شده به امام حسن عسکری [ع] رسیده برای اینکه مردم باید آماده می‌شدند برای تحمل دوره غیبت و فتنه‌هایی که اتفاق می‌افتد و آمادگی برای ظهور امام. بنابراین شبکه‌سازی به هزار و یک دلیل لازم است. ما در باشگاه قرآنی نور یک شبکه داریم ولی راستش من خجالت‌زده ام. من هر بار که به محضر امام می‌رسم، یعنی که می‌آیم یا می‌روم یک جایی زیارت، از این که این کار را به تمام و کمال نتوانستم که انجام بدهم یا نتوانستم شبکه‌هایی از جنس‌های مختلف درست کنم واقعا شرمسارم. یک عالمه متن درست شده درباره شبکه‌سازی^{iv}. این که چطوری یک شبکه^v بسازیم و مثلا چطور از شبکه‌مان برای بیشتر شدن فروش استفاده کنیم. یک مدت واقعا بسیاری شان را با این نیت خواندم که اینجا نکات کلیدی‌شان چه است و آیا ما می‌توانیم با نکاتی که آنها گفتند [شبکه‌سازی‌مان را پیش ببریم]. الان ادبیات کسب و کار، ادبیات موفقیت پر از این است که هرکس به اصطلاح جوانترها نتورکش را چطور بسازد و آن را چطور توسعه بدهد. شبکه‌سازی برای پست^{vi}‌ترین و خودخواهانه‌ترین اهدافی که می‌تواند وجود داشته باشد الان یک عالمه کتاب و روش و پروتکل و ... دارد. بسیاری‌شان را خواندم و دیدم آن نقاط کلیدی که می‌توان از آنها استفاده کرد برای شبکه‌سازی و در هر شبکه‌سازی ممکن است به کار بیاید این است که برای هر شبکه‌سازی باید برنامه و نیت فعال داشته باشیم. یعنی شبکه [سازی] چیزی نیست که همین جوری خود به خود اتفاق بیفتد. یعنی مثلا ما آمدیم مشهد، یک جمعی هستیم همین جوری هرکس با بغل دستی اش ممکن است حرفی بزند و بچه یکی بدود برود پیش یکی دیگر یک "اده بده" بی بکند و بعد این می‌خواهد برود بچه را برساند به پدرش یا مادرش یک لبخندی به هم بزنند و یک خوش و بشی با هم بکنند بعد در رستوران کنار هم غذا بخوریم و ... اینجوری شبکه‌سازی اتفاق نمی‌افتد. شبکه نیاز به "مدل خلق ارزش" دارد. یعنی یکی باید پا بایستد با یک نیت مشخص با یک برنامه مشخص و با یک مدل خلق ارزش برای پایداری شبکه فکر کند همان طور که برای هر کار شخصی‌اش فکر می‌کند که من الان یک هدفی دارم در زندگی شخصی یا اجتماعی‌ام و آن را می‌خواهم پیش ببرم و برای پیشبرد آن چه کار باید بکنم، چه کسی را می‌بینم چرا سراغش می‌روم وقتی دیدمش بیان مسئله‌ام را چطور

برایش می‌گویم. این يك بحثی است که حالا با توجه به اینکه نزدیک اذان هستیم و بچه‌ها هم خیلی سوال دارند، خواهش می‌کنم و می‌دانم که در جلسه بزرگوارانی هستند که به این ادبیات مسلط هستند و امکان جستجوی بیشتر در موردش دارند که شبکه چطوری تشکیل می‌شود چطور توسعه پیدا می‌کند چطور پایدار می‌شود و تجربه‌های انسانی زیادی وجود دارد در مورد تشکیل شبکه، هر شبکه‌ای، بخش قابل توجهی‌اش ممکن است به درد ما بخورد. اگر شعار باشگاه قرآنی نور این است که شبکه‌سازی کنیم باید که شبکه‌ها را با مفاهیم، اهداف و مقاصد مشخص و متنوع‌تری يك مقدار بیشتر در موردش فکر کنیم و برنامه‌ریزی کنیم و خواهش می‌کنم يك نفر مسئولیت‌ش را به عهده بگیرد برای این که هم عالمانه در موردش فکر کنیم هم در مورد اینکه یکی دو تایش را چطوری تشکیل بدهیم و پیش ببریم و واقعا اجرایی‌اش کنیم و هزینه لازم دارد واقعا هزینه کنیم برایش. من گاهی وقت‌ها فکر می‌کنم که آدم پولش را کجا خرج کند که کیف کند؟ اصلا عمرش را کجا خرج کند که کیف کند؟ می‌گوید که «اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد/ باقی همه بی‌حاصلی و بی‌خبری بود». حتی برای تك ما هم اینجایی که ایستادیم وقتی به پشت سرمان نگاه می‌کنیم معلوم است که کدام کارها خوب بوده کدامش خوب نبوده و کارهایی که بقایش را و رحمتش را و نورش را و رشدش را هنوز در زندگی‌مان حس می‌کنیم چیزی مانده برایمان از انجام دادن یا ادامه دادن آن کارها هم معلوم است. در این سفر هم از آن بیانیه‌های آخر سفر، عهدنامه‌های آخر سفر که می‌نویسیم آخر سفرها می‌نویسیم ان شاءالله. جمعه است وقت تجدید بیعتی هست که بر گردن ماست. من فردا در محضرتان نیستم و توفیق شب جمعهای در کنار این مضجع نورانی و مبارك را ندارم و خواهش می‌کنم که برایم دعا کنید و امیدوارم که فردا عهدنامه‌ای بنویسیم که از آنچه که هستیم ما را بلند کرده باشد و چند قدم جلوتر برده باشد. يك صلوات بفرستید.

اللهم صل علی محمد و آل محمد

ⁱ event

ⁱⁱ harsh

ⁱⁱⁱ achievement

^{iv} networking

^v network

^{vi} cheap